فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۲۳۸-۲۲۳ Vol 2. No 23. 2018, 223-238
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال امحا و مکتوم نمودن آثار و ادله ی جرم با تاکید بر قوانین مجازات و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

حمزه رضایی[۱]. محمد رضا مراد نژادی[۲]
۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا وجرم شناسی- مدرس دانشگاه
H.rezaii98@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی - وکیل پایه یک دادگستری
و رئیس هیات مدیره مرکز امور وکلای قوه قضاییه استان ایلام، ایران

چکیده

یکی از مراحل مهم و سرنوشت ساز دعوای عمومی، مرحله تحقیقات مقدماتی است. علت اهمیت این مرحله این است که از نظر زمانی، مدت زیادی از تاریخ وقوع جرم تا انجام تحقیقات نگذشته و دلایل و آثار جرم از بین نرفته است، شهود احتمالی هنوز مشاهدات خود را به خاطر دارند و این احتمال وجود دارد که متهم هنوز متواری نشده یا برای رهایی از مجازات با شرکا و معاونین خود دست به تبانی نزده باشد. بدین ترتیب، تحقیقاتی که در این هنگام صورت می گیرد، تاثیر زیادی درحفظ و جمع‌آوری دلایل و تشکیل پرونده ای کامل و آماده برای رسیدگی در دادگاه داشته، اهمیت اقدام به موقع و سریع مرجع تحقیق در این زمینه انکار ناپذیر است. از این رو سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی باید به عنوان یک اصل حاکم بر تحقیقات شناخته شود بدون این که مقام تحقیق و رعایت حقوق متهم، در برابر آن فدا گردد.

لذا در این مقاله سعی ما بر این بوده که با بررسی جرم اخفا و امحا در سایر قوانین و همچنین در قانون مجازات اسلامی، رویکرد و نگرش قانونگذار را به این جرم مورد ارزیابی کنیم. در این راستا و در جهت تحقق این هدف، به نحوی مشروح به ارزیابی و سنجش مواد مرتبط در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین می‌پردازیم. از سویی دیگر با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، به پیاده نمودن و تطبیق مقرره‌های جدیدِ مرتبط با این جرم خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: اخفا، امحا، آثار، ادله، جرم، ضابطین دادگستری، بازپرس، دادسرا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

جرایم، به دو دسته تقسیم می‌شوند: جرایم مشهود (موضوع ماده‌ی ۲۱ ق. آ. د. د. ع. ا. ک) و جرایم غیرمشهود. در جرایم مشهود ضابطین دادگستری تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام، و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رساند. اما در جرایم غیرمشهود، ضابط مطابق دستورات مقام قضایی نسبت به تکمیل تحقیقات اقدام می‌نماید، و مجاز نیست که خودسرانه اقدامی در این جهت انجام دهد

قانونگذار، قاضی تحقیق را مکلف به جمع آوری آثار و دلایل جرم و انجام تحقیقات مقدماتی نمود است تا از امحای آثار و دلایل جرم جلوگیری شود.

بسته به نوع جرم و چگونگی ارتکاب آن نحوه اقدام برای حفظ آلات و ادوات و آثار جرم متفاوت است که باید بر طبق مواد ۱۰۶ الی ۱۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری نسبت به این امر اقدام شود.

مبحث اول

تعاریف و مفاهیم

معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی اخفا و امحای آثار و ادله‌ی جرم

در هر پژوهش، ابتدا و در بدو امر، می‌بایست به بیان مفاهیم پایه و محوری آن بحث پرداخت. در قدم اول باید دانست که محور موضوعات بر چه مواردی مستقر است و شالوده و اساس بحث درخصوص چه مواردی استوار است به همین دلیل، ما در قدم نخست به لغت شناسی بحث اخفا و امحای آثار و ادله‌ی جرم می‌پردازیم و در ادامه به تبیین معنای اصطلاحی این واژگان همت خواهیم گماشت.

معنا و مفهوم لغوی

اخفاء:

اخفاء در لغت مصدر است از باب افعال به معنای پنهان کردن و پوشیده داشتن.[۱]

در فرهنگ‌های واژه‌ی پارسی واژی اخفاء به معنای پوشیده داشتن، پنهان داشتن، نهان کردن، پوشانیدن و آشکار نکردن آمده است.[۲]

کلمه‌ی اخفاء و مشتقات آن سی و چهار بار در قرآن کریم آمده است.[۳]

ما برای نمونه به ۳ مورد اشاره می‌کنیم:

---

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی – فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، چاپ چهارم، ماده‌ی خفی.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۷، چاپ یازدهم، ص ۵۶.

۳. اسدتاش، محمدعلی، بررسی کلمات اضداد در قرآن کریم، سایت راسخون.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱- آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی طه که در آن می‌فرماید: «ان الساعه ءاتیه اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی». بدین معنا که «محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و ما آن ساعت را پنهان داریم تا هر نفسی را به پاداش اعمالش در آن روز برسانیم».

۲- آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی سجده که در آن می‌فرماید: «فلاتعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین جزاء بما کانوا یعملون». یعنی «هیچ کس نمی‌داند که پاداش نیکوکاریش چه نعمت و لذت‌های بی‌نهایت که روشنی بخش دل و دیده است در عالم غیب بر او ذخیره شده است».

۳- آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی اعراف که در آن می‌فرماید: «ادعوا ربکم تضرعا و خفیه انه لایحب المعتدین» یعنی «خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید و به خلق ستم مکنید که خدا هر گز ستمکاران را دوست ندارد».

امحاء:

کلمه‌ی «امحاء» در لغت به معنای محو کردن، ناپدید کردن، از میان بردن چیزی، آمده است.[۴] این کلمه نیز از باب افعال می‌باشد و دلالت بر از میان بردن یا ناپدید کردن یکی شیء یا هر چیز دیگر می‌کند و به عبارت دیگر، نیازمند یک مفعول است و همیشه دارای یک مفعول می‌باشد که این بحث محور موضوع ما در این نوشتار است چرا که مفعول فعلِ امحاء مورد منع قانونگذار در مواردی مشخص قرار گرفته است.

آثار:

کلمه‌ی آثار جمع کلمه‌ی اثر می‌باشد. اثر در لغت به معنای نشان، نشانه، نشان و علامت باقی مانده از هر چیزی آمده است.[۵] بنابراین، اخفا و یا امحای آثار جرم به معنای پنهان نمودن و یا از بین بردن نشانه‌ها و علامت‌هایی است که دلالت از صورت گرفتن عملی مجرمانه است.

ادله:

ادله در لغت، جمع است از کلمه‌ی دلیل. لغت دلیل به معنای رهبر، راهنما، جهت و سبب آمده است.[۶] بنابراین اخفا و یا امحای ادله‌ی جرم به معنای پنهان نمودن و یا ناپدید کردن راهنماها و یا جهت‌هایی است که محرز کننده‌ی صورت گرفتن رفتاری مجرمانه است.

---

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، نشر سرایش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱.

۲. معین، محمد، همان، ص ۴۵

۳. معین، محمد، همان، ص ۴۶۷.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

امحاء و مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی

معنای اصطلاحی امحاء، منطبق به معنای لغوی آن است، بنابراین، صرف امحای یک شیء یا شخص باعث صورت گرفته شدن عملی مجرمانه نمی‌شود، بلکه، اگر قانونگذار از بین بردن، محو کردن، از بین بردن شیء یا چیزی را مشمول حکم منع قانونی خود نماید و ارتکاب این عمل را با قید مجازات ممنوع نموده باشد، این عمل جرم و مرتکب آن مستوجب تعقیب می‌باشد.

امحای آثار و دلایلی که مثبت وقوع جرم هستند با این هدف صورت می‌گیرد که متهم را از دادرسی و تعقیب خلاص و رها نماید. بنابراین، این عمل مجرمانه اگر در حوزه‌ی اقتصاد رخ دهد مفاسد و موانع بزرگی را با خود درپی‌دارد.

اخیراً، قوه‌ی قضاییه درگیر اجرای حکم اختلاس ۳ هزار میلیاردی بوده است. این در حالی است که رییس قوه‌ی قضاییه ابزار داشته است که متهم اصلی در پرونده‌ی ۳ هزار میلیاردی بسیاری از رد پاها را امحاء کرده بود. حتی بسیاری از شواهد پنهان یا نابود شده بود و قوه‌ی قضاییه با کمک بازرسی کل کشور، کار کارشناسی بسیار وسیعی را انجام داده است. در واقع تسهیلاتی که متهم اصلی از بانکها دریافت کرده بود، بسیار بیشتر از ۳ هزار میلیارد تومان است که اسناد مربوط به آن، امحاء شده اشت.[۷]

بنابراین، همان گونه که ملاحظه شد، معاونت و یا مشارکت در امحای آثار و ادله‌ای که مثبت وقوع جرم هستند، به قدری مهم و اثرات مخربی با خود دارد که قانونگذار اقدام به اعطای ضمانت اجرای کیفری به صورت دادن این عمل نموده است.

در قانون مجازات اسلامی، لغت امحاء در مواد محدود و کمی به کار رفته است. به عبارت دیگر به غیر از ماده‌ی ۶۹۰ این قانون که صریحاً از لغت امحاء استفاده می‌کند، در موارد کثیری شاهد استفاده از الفاظ از میان بردن، از بین بردن، هستیم. ماده‌ی ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات در این خصوص مقرر می‌دارد:

«هر کس به وسیله‌ی صحنه سازی از قبیل پی کنی، دیوار کشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت بندی، و. . . به تهیه‌ی آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی و. . . مبادرت نماید، به مجازات یک ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود.»

اگر لغت امحاء را به معنای از میان بردن و از بین بردن معنا نماییم، در موارد متعددی از قانون مجازات اسلامی با این جرم سروکار خواهیم داشت.

از میان بردن اسناد غیردولتی

ماده‌ی ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی در این رابطه مقرر می‌کند:

---

1. http://www.tasninews.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

«هر کس عالماً، هر نوع اسناد یا اوراق تجارتی و غیرتجارتی غیردولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر تلف کند، به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. »

جرم موضوع این ماده، مقید به اضرار به غیر است، بنابراین چنانچه اتلاف یا سوزاندن و از میان بردن، اسناد موجب ضرر غیر نشود، جرمی محقق نگردیده است.[۸]

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در نظریه‌ای مشورتی در ارتباط با این ماده ابراز داشته است:

«پاره کردن و یا گم کردن اسناد مربوط به شخص، توسط صاحب آن جرم نمی‌باشد.»[۹]

برخی از نویسندگان به اطلاق این نظریه ایراد و اشکال وارد نموده‌اند و متعرّض گشته‌اند که ممکن است شخص، سند متعلق به خود را به قصد اضرار به غیر امحاء و از میان برد که در این فرض، مسلماً ضرر محقق است. اما نظریه این سخن را تایید نمی‌کند و از این جهت پذیرش نظریه محل تردید است.[۱۰]

مبحث دوم

نقش دادسرا در تحقق حفظ آثار و ادله‌ی جرم از اخفا در قانون جدید آیین دادرسی کیفری

جمع آوری ادله و حفظ آنها از امحا و اخفا، در حقوق ایران، بر عهده دادسراست. این نکته از آن روست که، معیار اثبات در دعاوی کیفری، رسیدن دادرس به اقناع وجدانی در صورت پذیرفتن جرم می باشد. در واقع، ملاک قضامت و رای در این حوزه از حقوق، یقین درونی است که برای دادرس ایجاد خواهد شد و این مهم با ارزیابی اذله مطرح شده در پرونده کیفری برای وی حاصل می شود.

دادرس در پرونده کیفری دست به دو اقدام می زند : بازسازی امور مادی رخ داده و صدور حکم مقتضی بر اساس این امور مادی. از این رو نقش دادسرا و مقامات آن در حفظ ادله و آثار جرم واضح می شود. [۱۱]

در این قسمت به وظیفه و نقش دادسرا، در حفظ آثار و ادله‌ی مثبته‌ی وقوع جرم می‌پردازیم. قانون جدید آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ تصویب و مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت و در اردیبهشت سال ۱۳۹۲، در روزنامه‌ی رسمی منتشر شد. قانون جدید آیین دادرسی کیفری، در مقایسه با قوانین قبلی، دارای نقاط قوت متعددی است که پیش بینی این موارد در خور تحسین است. این قانون از انسجام و شفافیت بیشتری برخوردار است. مرجع تعقیب، تحقیق و رسیدگی به صورت روشن‌تری از هم متمایز شده‌اند.

---

۱. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی منطبق با قانون جدید، چاپ اول، ۱۳۹۲، مجد، ص ۶۳۶.

۲. میرزایی، علیرضا، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۷.

۳. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، منطبق با قانون جدید، چاپ اول، ۱۳۹۲، مجد، ص ۶۳۶.

۴. حیدری، الهام، اثبات دعاوی کیفری در ایران و انگلستان، فصلنامه حفوف، دوره ۴۳، شماره ۴، زمستان ۹۲، ص ۵۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قانون جدید آیین دادرسی کیفری، دارای محاسن زیادی است که اگر بخواهیم فهرست وار به آنها اشاره کنیم، باید گفت، در این قانون، توجه ویژه به اصول دادرسی عادلانه صورت گرفته است، ضابطه‌مندی، شفافیت و کاستی از زمینه‌های سوء استفاده، مورد توجه قرار گرفته شده است، نقش وکلای دادگستری، پررنگ‌تر از قبل شده، مقام بازپرس، دارای استقلال بیشتری از دادستان گشته، به دادسرا تکلیف میانجیگری و سازش محول شده است و مواردی از این دست.

در این قانون مواد متعددی درخصوص نقش ضابطان دادگستری و همچنین مقامات دادسرا در حفظ آثار و ادله‌ی جرم از اخفا و امحا، مقرر و تقنین شده است که ما به بررسی آنها می‌پردازیم.

دادسرا و حدود صلاحیت آن در قانون جدید

عنوان اختصاص یافته به بخش دوم قانون جدید آیین دادرسی کیفری، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی است. این عنوان نشان می‌دهد که فصول ده گانه‌ی این بخش راجع به مرحله‌ی قبل از محاکمه و رسیدگی است که اصولاً در صلاحیت دادسرا است. لذا تفکیک مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی از مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه که به عنوان یکی از مهمترین انتقادات وارد بر قانون سابق محسوب می‌شد، یکی از گام‌های رو به جلوی مقنن در ضابطه مند نمودن مقررات مربوط به دادسرا و دادگاه است.

ماده‌ی ۲۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌کند:

«به منظور کشف جرم، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه‌ی قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاههای آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاههای نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود.»

درخصوص این ماده باید گفت که، با توجه به این که در زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۷ دادسراها در نظام قضایی کشور وجود نداشت (در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۵، دادسراها از نظام قضایی کشور حذف شد.) لذا بخشی از دادسراها در آن قانون به میان نیامده بود. با احیای مجدد این نهاد در سال ۸۱، در این قسمت باید به تطبیق ماده‌ی ۲۲ قانون جدید با مفاد قانون تشکیل اصلاحی سال ۸۱ پرداخت. بند الف ماده‌ی ۳ قانون تشکیل که طبق ماده‌ی ۵۷۰ این قانون فسخ گردیده است، مفاد ماده‌ی ۲۲ قانون جدید را مقرر نموده بود.

نخستین تغییری که در این ماده نسبت به بند الف ماده‌ی ۳ به وجود آمده است این می‌باشد که در بند الف ماده‌ی مذکور، «انجام تحقیقات» که یکی از وظایف دادسرا است، ذکر نشده بود که در قانون جدید اضافه شده است.[۱۲]

---

۱. سلیمی، صادق و بخشی زاده‌ی اهری، امین، تحلیل ماده به ماده‌ی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۳۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دومین تغییر، مربوط به تغییر عبارت «جنبه‌ی حق اللهی» به عبارت «حفظ حقوق عمومی» در قانون جدید است. همچنین در قانون تشکیل از عبارت «اقامه‌ی دعوی از جنبه حق اللهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی» استفاده شده بود که در ماده‌ی ۲۲ قانون حاضر، ابتدا به «حفظ حقوق عمومی و سپس به اقامه‌ی دعوای لازم در این خصوص تاکید شده است؛ زیرا تا زمانی که حفظ حقوق عمومی لازم نیاید، اقامه‌ی دعوی نیز در این خصوص سالبه به انتفای موضوع خواهد بود. همان طور که مشهود است در این قسمت عبارت جنبه‌ی حق اللهی عنوان نشده، به طوری که طبق بند الف ماده‌ی ۹، اقامه‌ی دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی پیش‌بینی شده و دلیلی بر تکرار آن در ماده‌ی ۲۲ وجود ندارد.»[۱۳]

گفتار دوم: ضابطان دادگستری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و وظیفه‌ی حفظ آثار و ادله‌ی جرم

قوه قضاییه مسلماً بدون وجود بازوی اجرایی نمی‌تواند اقتدار خود را به کرسی بنشاند. محاکم قضایی اعم از دادسراها و دادگاهها قبل از وقوع جرم تا پس از اجرای مجازات وظایفی بر عهده دارند که باید با توسل به بازوی اجرایی خود، آنها را انجام دهند. این بازوی اجرایی تحت عنوان «ضابطین قضایی یا ضابطین دادگستری» شناخته می‌شوند.

در کنار ضابطان دادگستری، پلیس قضایی یا همان سازمان ضابطین دادگستری نیز قابل بررسی است. نهادی که می تواند بازوی توانمند قوه قضاییه باشد ئو در راستای سیاست کیفری این قوه، تاسیس بشود و هدفی جز جلوگیری از جرم و درمان آن نداشته باشد.

یکی از نیازهای اساسی هر جامعه در هر زمان، امنیت و آسایش آن است. از گذشته های دور، در هر جامعه ایی افرادی به عنوان فرماندار و یا پادشاه وجود داشته اند که تامین کننده امنیت بوده اند. با گذشت زمان و حادث شدن پیشرفت های متعدد، حکومت ها تغییر فراوانی پیدا کردند و پیچیده تر شدن قوای حکومتی و تقسیم آن سبب شد که حکومت بهت و بیشتر در اختیار مردم قرار گیرد.

امروزه نیروی شناخته شده در هر جامعه ایی برای تامین امنیت، پلیس می باشد. پلیس در لغت به معنای مراقب و مهار کننده است که تاکید بر تکلیف این نهاد در کنترل افرادی است که مخل نظم جامعه می باشند. در ایران لازم به ذکر است که در سال ۱۳۵۹، و در زمان تصدی شورای عالی قضایی توسط شهید بهشتی، لایحهایی که این نهاد را تاسیس کند بوجود آمد و جالب اینکه دانشکده علوم قضایی نیز به همین جهت بمنیان گذارده شد و در آن تعلیماتی تخصصی برای کشف جرم داده می شد که متاسفانه با شهادت شهید بهشتی، این نهاد به فراموشی سپرده شده که اخیرا، ماحیای آن بر زبان ها است.[۱۴]

---

۱. همان، ص ۳۴.

۲. جعفریان، زهرا، امیر خانی، زینب، سازمان ضابطان دادگستری، ماهنامه دادگستری، سال یازدهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، ص ۴۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقنن در قانون سابق آیین دادرسی کیفری در مواد ۱۵ تا ۲۵ و در قانون تشکیل در مواد ۳، ۱۲، ۱۵ و ۳۹ راجع به ضابطین دادگستری سخن به میان آورده بود. مواد ۲۸ تا ۶۳ قانون جدید حسب مورد جایگزین مواد پیش گفته شده است.

بررسی اختصاصی جرم اخفا و امحای آثار و ادله‌ی جرم

در این قسمت نیز به بررسی جرم اخفا و امحای آثار و ادله‌ی مثبته‌ی جرم از منظر حقوق جزای اختصاصی می‌پردازیم. در این راستا و در جهت تحقق این هدف از عنصر مادی و معنوی و قانونی جرم مذکور صحبت می‌کنیم، مجازات آن را مورد مداقه قرار می‌دهیم و نهایتاً به تطبیق و پیاده نمودن نهادهای نوین قانون جدید مجازات اسلامی در این جرم، همت می‌گماریم.

عنصر قانونی جرم امحا و یا اخفای آثار و ادله‌ی جرم

در کنار عناصر تشکیل دهنده‌ی خاصِ هر یک از جرایم که برحسب نوع جرم تغییر می‌کند (عناصر اختصاصی)، جرایم به طور کلی دارای عناصر تشکیل دهنده‌ی مشترکی (عناصر عمومی) هستند که اختصاص به هر یک از آنها ندارد. در واقع، به لحاظ حقوقی، برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید، باید، نخست، قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)، دوم، عمل یا ترک عملِ مشخص، به منصه‌ی ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)، سوم، عمل با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد.[۱۵]

ما نیز به همین ترتیب در این گفتار به بررسی و معرفی عنصر قانونی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی مثبته‌ی جرم می‌پردازیم.

بد نیست در این مقام، اشاره‌ای کوتاه به ماده‌ی ۲، قانون جدید مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بیاندازیم و بنگریم که قانونگذار در این ماده، اصل قانونی بودن جرم و مجازات را چگونه تقنین نموده است. ماده‌ی ۲ قانون مذکور چنین تقریر می‌نماید:

«هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

متن اولیه‌ی این ماده چنین نوشته شده بود: «جرم، فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است و هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد.»

این مقرره با ایراد و اشکال شورای نگهبان مواجه شد. به نظر می‌رسد این ایراد ناشی از وجود اصل ۱۶۷ قانون اساسی باشد؛ چرا که شورای نگهبان نمی‌خواسته با تصویب این ماده، بدین شکل، دست قاضی را در

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۹، جلد نخست، ص ۱۲۵.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

رجوع به منابع فقهی بسته نگه دارد. تصویب ماده بدین شکل، اغیراد اصل قانونی بودن جرم و مجازات را درپی خواهد داشت. چرا که با توجه به عبارات مبهم، محمل و قابل تفسیر اصل ۱۶۷ قانون اساسی، جمع این اصل و آن ماده بدین صورت می‌گردد که اگر، فعل یا ترک فعلی در قانون جرم شناخته نشود تکلیف چیست؟ در اینجا، مجرای عمل و تمسک به اصل ۱۶۷ می‌باشد و اجرا و عملی ساختن این اصل، به منزله‌ی جرم انگاری عملی است که در قانون مجازات، جرم شناخته نشده.[۱۶]

در قانون مجازات اسلامی یک ماده به موضوع جرم انگاری اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم پرداخته است. این ماده، دایره‌ی شمول وسیعی دارد و موارد و مصدایق زیادی را دربرمی‌گیرد که یکی از آنها، همین امحا و اخفا است.

ماده‌ی ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۵، در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی جرم از محاکمه و محکومیت، مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله‌ی جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه‌ی مجرم، ادله‌ی جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره- در موارد مذکور در ماده‌ی ۵۵۳ و این ماده، در صورتی که مرتکب از اقارب درجه‌ی اول متهم باشد. مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده، بیشتر نخواهد بود.»

عنصر مادی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم

برای عنصر مادی جرم عده‌ای از حقوقدانان ۳ جزء را متصور شده‌اند و بیان نموده‌اند که عنصر مادی جرم از کنار هم آمدن این۳ جزء تشکیل می‌شود.

به نظراین عده، اولین و نخستین جزء عنصر مادی، عبارت است از رفتار فیزیکی، که با توجه به توصیفی که قانونگذار از هر جرم کرده است، می‌تواند فعل اعم از کردار یا گفتار و یا ترک فعل باشد. اکثر جرایم نیز از این نوع می‌باشند. لیکن برخی از جرایم با عدم انجام کاری که قانون بر عهده‌ی یک فرد مکلف گذاشته است ارتکاب می‌یابند. به عنوان نمونه این موارد می‌توان، عدم قبول یا رسیدگی به شکایت یا تظلم از سوی مقامات قضایی موضوع ماده‌ی ۵۹۷ قانون تعزیرات و یا گزارش نکردن جرایم مالی توسط روسا، مدیران یا مسئولان سازمان‌ها مصنوع ماده‌ی ۶۰۶ قانون تعزیرات.[۱۷]

دومین جزء به نظر این عده، مجموعه‌ی شرایط و اوضاع و احوالی است که مقنن، وجود و یا فقدان آنها را برای تحقق جرم ضروری می‌داند. به عبارت دیگر، برای تحقق هر جرمی، فعل یا ترک فعل باید در شرایط خاصی رخ داده باشد که این شرایط ممکن است مربوط به جرم، قربانی، زمان و مکان ارتکاب جرم و یا هر چیز دیگری باشد. به علاوه، این شرایط ممکن است ایجابی و وجودی و یا، سلبی و عدمی باشند. به عبارت

۱. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۲، جلد نخست، ص ۲۰۸.

۲. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۹، ص ۲۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دیگر، گاه مقنن وجود شرایطی را برای تحقق جرم خاصی ضروری دانسته است و گاه عدم آن را لازم می‌داند.

سومین جزیی که برای تکمیل عنصر مادی جرم لازم است، وقوع نتیجه‌ی مشخص شده از سوی مقنن می‌باشد. بدون تحقق این نتیجه، جرم تام رخ نخواهد داد و مرتکب تنها ممکن است به شروع به ارتکاب جرم محکوم شود. بدیهی است، تحقق جرایمی که مقنن آنها را مطلق و نه مقید به نتیجه‌ی خاص دانسته است، نیازی به جزء سوم عنصر مادی ندارد. این جرایم بدون نیاز به منتیج شدن فعل یا ترک فعل به نتیجه‌ی خاص، به وقوع می‌پیوندند.[۱۸]

ما هم به همین ترتیب به بررسی عنصر مادی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم می‌پردازیم.

رفتار فیزیکی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم

منظور از رفتار فیزیکی در جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم، رفتاری است که از مرتکب سر می‌زند و منتج به نتیجه‌ی مورد نظر، یعنی خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت می‌شود. ماده‌ی ۵۵۴ از لفظ مساعدت استفاده نموده و مصداق های مذکور در ماده را با قید از قبیل، آورده است. بنابراین دایره‌ی شمول ماده بسیار گسترده است.

در این که این جرم بتواند به وسیله‌ی انجام یک «فعل» صورت بپذیرد، هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. اما آیا این جرم می‌تواند به صورت ترک فعل نیز محقق گردد؟

در پاسخ به این پرسش باید معنای «ترک فعل» توجه نماییم، ترک فعل در حقوق کیفری چه معنا و تعریفی دارد؟

عده‌ای از حقوقدانان، در مقام تعریف ترک فعل ابراز داشته‌اند که ترک فعل، به معنی امتناع از ایفای تکلیفی است که موضوع حکم قانونگذار بوده است. به دیگر سخن، در جرمی که با ترک فعل محقق می‌شود، عنصر مادی جرم، امتناع از عملی است که نفس آن قطع نظر از آثاری که ممکن است به وجود آورد، مقصود قانونگذار بوده است.[۱۹]

برخی دیگر از حقوقدانان، برای ترک فعلی که جرم تلقی گردد چهار شرط ذکر کرده‌اند که عبارتند از وجود وظیفه‌ی قانونی تخلف شده از آن، رابطه‌ی سببیت میان ترک فعل و نتیجه‌ی حاصله از جرم، توانایی تارک بر انجام فعل و چهارم، وجود عنصر معنوی، دالّ بر حصول نتیجه به وسیله‌ی ترک فعل را ذکر نموده‌اند.[۲۰]

---

۱. میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص ۲۵.

۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۹، میزان، ص ۲۱۰.

۳. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ نهم، میزان، ۱۳۸۹، ص ۴۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به نظر می‌رسد، تعریف نخست، جامع و مانع باشد و عناصر برشمرده شده‌ی دوم تا چهارم، در تعریف دوم، مستغرق در همان وظیفه‌ی قانونی باشد.

قانون جدید مجازات اسلامی در ماده‌ی ۲ مقرر می‌کند:

«هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

با تدقیق و تبیین این ماده به یک نتیجه‌ی مهم نایل می‌شویم و آن این است که وقتی قانونگذار می‌گوید هر رفتاری که ترک آن در قانون مجازات داشته باشد جرم است، پس بالضروره می‌بایست این ترک فعل، در ذات امر، یک تکلیف مبنی بر انجام دادن کاری باشد که از عدم انجام آن، تارک، مستحق مجازات می‌گردد.

در قوانین نیز با استقرایی کلی در آنها می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار، در پاره‌ای اوقات مجازات مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه را در حقِ تارک نیز تحمیل نموده است. ماده‌ی ۱۰۶ از قانون سابق آیین دادرسی کیفری یکی از مصادیق این جرم را بدین گونه مقرر می‌کرد:

«هر گاه متهم، نوشته‌های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، قاضی می‌تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارائه‌ی آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.»

اما پرسش مهمی که می‌توان مطرح نمود این است که آیا، عدم شهادت دادن مصداقی از جرم اخفای ادله‌ی جرم هم محسوب می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، اگر شخصی از ادای شهادت امتناع نماید، آیا می‌توان او را به جرم اخفایِ ادله‌ی جرم مورد پیگرد و تعقیب قرار داد؟

تبصره‌ی یکم ماده‌ی ۲۰۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در این ارتباط مقرر می‌کند:

«در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد، جلب می‌شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد. مجدداً احضار و در صورت عدم حضور، جلب می‌شود.»

بنابراین و با توجه به این ماده، نخستین ضمانت اجرای عدم حضور برای ادای شهادت، جلب شاهد می‌باشد. اما این ماده مقرر نمی‌کند که در صورت جلب و عدم ادای شهادت از سوی شاهد، چه آینده‌ای در پیش روی وی قرار خواهد گرفت؟

تبصره‌ی ماده‌ی ۲۱۲ همان قانون، پاسخ این پرسش را داده است. مطابق این تبصره:

«بازپرس، مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء، اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند.»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با تدقیق در مفاد این ماده، به نظر می‌رسد، که نمی‌توان هیچگونه ضمانت اجرای کیفری خاصی برای عدم ادای شهادت مقرر کرد.

شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم اخفاء و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم

در ابتدای ماده‌ی ۵۵۴ از لفظ و واژه‌ی «هر کس» استفاده شده است. در خصوص شمول ماده نسبت به ضابطین و مقامات دادسرا هیچگونه تردید و اختلافی نیست و اگر این افراد شاهد و ناظر جرم عمومیِ غیرقابل گذشتی باشند و از اقدام قانونی امتناع کنند حتماً عمل آنها اگر مصداق عنوان مجرمانه‌ی دیگری نباشد، مصداق این ماده می‌باشد. اما پرسشی که کمتر نویسندگان بدان پرداخته‌اند این است که اگر یک «وکیل دادگستری» اقدام به عملیاتی کند که موجب خلاصی مجرم از محاکمه شود، باز هم مشمول این ماده هست؟ در صورت شمول این ماده بر چنین اقدامی، پس از جمع ماده‌ی ۵۵۴ با ماده‌ی ۶۴۸ چگونه ممکن می‌شود؟ ماده‌ی ۶۴۸ مقرر می‌کند:

«اطباء، جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه‌ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصدهزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

همچنین ماده‌ی ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵مقرر می‌کند:

«وکیل باید اسراری را که وسیله‌ی وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

پاسخ به این پرسش آسان نیست. سرّ در لغت به معنای چیز پوشیده از دیگری است و در اصطلاح، امری است که نوعاً دادی به اخفای آن وجود داشته باشد.[۲۱]

برخی از حقوقدانان گفته‌اند که، منظور از محرم اسرار، حرمت رازداری است. یعنی مرتکب باید به مناسبت شغل یا حرفه‌ی خود، از اسرار مردم آگاه شده باشد و قانوناً موظف به حفظ رازداری باشد.[۲]با توجه به ماده‌ی ۳۰ قانون وکالت و با توجه به این که قانونگذار در آن ماده از لفظ عامّ اسرار نام برده، به نظر می‌رسد که عمل وکیلی که برای تبرئه یا تخفیف مجازات موکل خود، حقایقی را پنهان می‌کند، مصداق جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم نباشد.

با این حال، بهتر است برای حفظ نظم در عدالت قضایی و با توجه به شان وکیل، قایل بر این نظر باشیم که عمل وکیلی که برای خلاصی موکل خود متوسل به دفاعی می‌شود که قلب حقیقت است، مصداقی از جرم موضوع ماده‌ی ۵۵۴ می‌باشد.

---

۱. لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۵۸۱.

۲. سیروس، قادر و شکری، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، نشر مهاجر، ۱۳۸۴، ص ۷۳۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در هر حال، شرط مهم دیگری که برای شمول صدق حکم ماده لازم می‌باشد، آن است که مساعدت کننده، علم به جرم بودن موضوع پیش آمده داشته باشد. به عبارت دیگر، جرم بودن عمل متهم رکن معنوی و ایجاد کننده‌ی عنصر عمد در عمل ارتکابی مساعدت کننده به حساب می‌آید و اگر وی، علم به جرم نبودن عمل نداشته باشد، نمی‌توان وی را مشمول این ماده دانست. هر چند که در عمل اثبات عدم علم به جرم بودن عمل ارتکابی بسیار مشکل است.

پرسشی که در این موضع مطرح می‌شود آن است که اگر، شخصی به تصور جرم بودن عملی، در امحا و یا اخفای آثار و ادله‌ی عمل صورت گرفته کمک کند اما بعداً محرز شود که عمل صورت گرفته جرم نیست، عمل وی دارای چه حکمی است؟

در اینجا باید گفت، از آنجا که فلسفه‌ی تقنین ماده‌ی ۵۵۴ جلوگیری از عدم مجازات و محاکمه‌ی مجرمین است و در فرض مورد بحث اساساً مجرمی متصور نیست، بنابراین عمل کمک کننده مصداق ماده‌ی ۵۵۴ نمی‌تواند باشد.

لازم به ذکر است که در ماده، از آنجا که از واژه‌ی «مجرم» استفاده شده است، این اطلاق شامل معاون یا احیاناً معاونین جرم نیز می‌شود. همچنین اطلاق کلمه‌ی جرم، شامل جرایم عمدی م و جرایم غیرعمدی می‌شود.

عنصر روانی جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی مثبته‌ی جرم

در حقوق جزای قدیم، تنها عامل برای تعیین میزان شناعت و زشتیِ عملِ مرتکب، نوع صدمه‌ای بود که از آن عمل حاصل می‌شد، بدون آنکه به وجود یا عدم قصد و نیت مرتکب در ایجاد آن نتیجه توجهی مبذول شود. بدین ترتیب، تفاوتی بین قتل عمدی، قتل غیرعمدی و قتل در مقام دفاع مشروع، به عنوان مثال، وجود نداشت و عکس العمل خویشان قربانی یا جامعه در قبال مرتکب در همه‌ی این موارد یکسان بود.[۲۳] به دلیل همین بی‌توجهی به عنصر روانی، این نکته که نتیجه‌ی نامطلوب به وسیله‌ی انسان، حیوان یا حتی ابزاری حاصل شده بود، تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کرد. از این رو نمونه‌هایی از محاکمه‌ی وسایل و حیوانات در حقوق جزای قدیم مشاهده می‌شود.[۲۴]

در همین راستا، ماده‌ی ۱۴۴ قانون جدید مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مقرر می‌کند:

«در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.»

---

۱. میرمحمد صادقی، حسین، تحلیل مبانی حقوق جزا، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، میزان، ۱۳۷۴، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۴۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با توجه به متن ماده‌ی فوق باید گفت که، این ماده، درصدد، تشریح قصد فعل و قصد نتیجه در جرایم مطلق و مقید برآمده است، مقصود از قصد فعل، آن است که مرتکب، عنصر مادیِ ارتکاب جرم را بخواهد. قصد فعل در جرایم مطلق، برای مجرم قلمداد شدن مرتکب، کفایت می‌کند، با این حال، در جرایمی که قانون علاوه بر قصد فعل، قصد نتیجه را هم لازم دانسته است، مرتکب باید قصد نتیجه هم داشته باشد.[۲۵]

با توجه به ماده، قصد مجرمانه در جرایم عمدی عبارت است از، خواستن قطعی و منجز فعل مجرمانه و یا اراده‌ی آگاهانه بر رفتار مجرمانه با تعیین بر خواستن و حصول نتیجه‌ی مجرمانه[۲۶]در جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم، موضوع ماده‌ی ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی، عنصر روانی برای این جرم، علم و آگاهی مرتکب بر وقوع جرمی توسط شخص و یا اشخاصی و مساعدت عالم، برای خلاصی مرتکبین جرم اصلی از محاکمه و یا محکومیت. بنابراین و با توجه به مطالب فوق، اگر شخصی بدون آگاهی از وقوع جرمی و سهواً، اقدام به مساعدت به مجرم اصلی نماید، نمی‌توان وی را تحت این عنوان، مستوجب مجازات قرار داد.

همان گونه در مطالب پیشتر نیز بیان شد، ضرورتی ندارد، حتماً عمل مساعدت کننده به یک نتیجه‌ی خاص نایل شود، بلکه اگر وی با علم و اطلاع از وقوع جرمی و با نیت رهایی مجرم اصلی، از محاکمه و یا محکومیت اقدام به تهیه‌ی ادله‌ی جعلی و یا اخفا و یا امحای ادله و یا آثار موجود کند، مرتکب جرم موضوع ماده‌ی ۵۵۴ قانون تعزیرات شده است.

نتیجه گیری

همان گونه که بیان شد و برخی از نویسندگان نیز متعرض آن شده‌اند، جرم اخفا و یا امحای آثار و ادله‌ی جرم، از جرایم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود.

آنگونه که از عبارات قانونگذار نیز استنباط می‌شود، این جرم، جرم مقید نیست بلکه مطلق است و نیازمند حصول نتیجه‌ی خاص، یعنی خلاصی مجرم از محاکمه و یا محکومیت نیست. بعضی جرایم بدون آنکه، تحقق آنها به حصول نتیجه‌ای یا ضرر یا صدمه‌ای مقید شده باشد، جرم کامل به شمار می‌رود.

با تدقیق در عبارات ماده‌ی ۵۵۴، می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار این جرم را یک جرم مطلق قلمداد نموده است، چرا در این ماده می‌خوانیم، «برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند. . . » و قانونگذار نتیجه‌ی خاصی برای محکومیت مجرم به مساعدت، مقرر ننموده است. بنابراین صرف ارایه‌ی سند مجعول و یا تهیه‌ی منزل و یا اقدام به سوزاندن اوراق مثبت جرم، بدون اینکه منتج به تبرئه‌ی مجرم شود، می‌تواند دربرگیرنده‌ی جرم اخفا و یا امحا باشد. مهم این است که فرد دیگری غیر از مجرم، اقدام به مساعدت به هر گونه، به مجرم اصلی نماید.

---

۱. گروه علمی چتر دانش، قانون یار قانون جدید مجازات اسلام، چاپ دهم، ۱۳۹۳، چتر دانش، ص ۱۹۹.

۲. همان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گفته شده است که، با عنایت به قید محاکمه و محکومیت، مساعدت های مذکور در این ماده باید قبل از دستگیری مجرم باشد

اما با توجه به قید «یا برای تبرئه‌ی مجرم، ادله‌ی جعلی ابراز کند» تفسیر منطقی قانون، ما را به این نتیجه می‌رساند که مساعدت‌ها بعد از دستگیری نیز می‌تواند صورت گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و ماخذ

ـ اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، میزان، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۹.

ـ شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی، جلد سوم، چاپ اول، مجد، ۱۳۹۲.

ـ گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۲.

ـ سلیمی، صادق و بخشی زاده اهری، امین، تحلیل ماده به ماده‌ی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۳.

ـ گروه علمی چتر دانش، قانون یار آیین دادرسی کیفری، انتشارات چتر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۳.

ـ گروه علمی چتر دانش، قانون یار آیین دادرسی کیفری، انتشارات چتر دانش، چاپ دهم، ۱۳۹۳.

ـ میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۰.

ـ مهابادی، اصغر، تحلیل قانون جدید آیین دادرسی کیفری، انتشارات دوراندیشان، چاپ اول، ۱۳۹۳

ـ میرزایی، علیرضا، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۲

ـ پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد یکم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.

ـ میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.

ـ خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، مرکز پژوهش‌های شهر دانش، چاپ دهم، ۱۳۹۰

ـ لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۸۷

ـ کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]